

Linguistic and rhetorical functions in the poetry of Anwari

Seyyed Fathollah Mojtabaei¹-Alireza Emami²-Atefeh Tahmasbi Garakani^{*3}

1: Professor of Tehran University

2: Assistant Professor of Tehran University

3: Corresponding Author: PhD Student of Tehran University

(a.tahmasbi@ut.ac.ir)

Anwari's divan is of prime importance and worthy of consideration from different perspectives especially from the linguistic one. He wrote poetry in five different forms: qasideh, qit'ah (fragment), ghazal (lyric), maṭnawī, and ruba'i (quatrain). However, what attracts one's attention to his poetry is the versatile language and mode of expression he employs in different literary genres and forms. Consequently, although there are apparent similarities as to the thought and language of his composition, the stylistic characteristics of his poetry should be separately analyzed with regard to every given form. Employing an archival descriptive-analytical method, this article deals with the stylistic and linguistic peculiarities of his poetry regarding the forms, themes and audience appropriation in selected poems from his poetry collection. Results obtained from the analysis of Anwari's poetry suggest that the poet employs different modes and techniques of expression appropriate to the subject matter, form, object of praise (mamdouh), and audience. In general, Anwari's poetry can be studied in four types of language registers: 1) language appropriate to court and praise poetry; 2) language appropriate for advice; 3) language of the common people and in some cases the language of the lower class of the society; 4) lyrical and romantic language. With a fair and careful evaluation of Anwari's poems, it is proved that he can well handle the variety of forms and themes and the variety of language and expression in proportion to them, merge the word and the meaning in proportion to each other and make the most of language to express conceptual delicacies. Using various contemporary sciences such as medicine, astronomy, logic, etc., and at the same time approaching the language of the common people, Anwari created a modernity in the language of poetry. His poetry collection includes exemplary praise and court poems, poems palatable to common people's taste and fascinating portrayal love poems.

Keywords: Anwari, poesy, poetic form, Style, language, rhetoric, audience

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۳- شماره ۳۰- زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۲۴۱- ۲۶۲ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۱۰/۳۰؛ بازنگری ۱۴۰۰/۱۱/۱۹؛ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

کارکردهای زبانی و بلاغی در اشعار انوری

سیدفتح‌الله مجتبیایی ۱ / علیرضا امامی ۲ / عاطفه طهماسبی گرکانی* ۳

۱: استاد دانشگاه تهران

۲: استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

۳: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) a.tahmasbi@ut.ac.ir

چکیده: دیوان انوری از جهات مختلفی، به خصوص از نظر سبکی و چگونگی کاربرد زبان، حائز اهمیت و توجه است. سروده‌های او در پنج قالب قصیده، قطعه، غزل، مثنوی و رباعی هستند و آنچه در دیوان وی جلب نظر می‌کند، تفاوت زبانی و شیوه بیان او در انواع و قالب‌های مختلف ادبی است؛ از این رو، با وجود اینکه در مجموع اشعار او، مشابهت‌های فکری و زبانی مشهود است، باید ویژگی‌های سبکی شعر او را در هر قالب، به‌طور جداگانه بررسی کرد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ارائه نمونه‌هایی از اشعار مندرج در دیوان انوری، به تفاوت‌های سبکی و زبانی وی در قالب‌ها و موضوعات شعری و متناسب با مخاطب‌های متفاوت پرداخته است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل ویژگی‌های سبکی اشعار انوری نشان می‌دهد او متناسب با موضوع، قالب، ممدوح و مخاطب، شگردهای زبانی و ادبی متفاوتی را به کار برده است. به‌طور کلی، شعر انوری را در چهار نوع زبانی می‌توان بررسی کرد: ۱. زبان متناسب با شعر درباری و مدحی ۲. زبان متناسب با پند و اندرز؛ ۳. زبان عامیانه ۴. زبان تغزلی و عاشقانه. با قضاوتی منصفانه و دقت در اشعار انوری، ثابت می‌شود که وی از عهده تنوع قالب‌ها و مضامین و به تناسب آن‌ها، تنوع زبان و بیان، به‌خوبی برآمده است، لفظ و معنا را متناسب با یکدیگر آورده و برای القای هرچه بهتر ظرایف معنایی، بهترین بهره را از امکانات موجود در زبان برده است. انوری با بهره‌گیری از علوم مختلف، همچون طب، نجوم و منطق و در عین حال، نزدیک شدن به زبان عامه مردم، تجدیدی در زبان شعر به وجود آورده است. دیوان شعر او هم تصویری تمام‌قد از شعر درباری و مطابق مقام ممدوح عرضه می‌کند و هم در سطح عموم مردم زمان خود و متناسب با فهم آن‌ها اشعاری دارد و هم متناسب با حال و هوای معشوق و آیین دلدادگی، ابیات مسحورکننده‌ای را شامل می‌شود.

کلیدواژه: انوری، فن شاعری، قالب شعری، سبک، زبان، بلاغت، مخاطب.

- مجتبیایی، سیدفتح‌الله؛ امامی، علیرضا؛ طهماسبی گرکانی، عاطفه (۱۴۰۱). کارکردهای زبانی و بلاغی در اشعار انوری.

مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۰، صفحات ۲۴۷-۲۶۸.

[Doi:10.22075/jlrs.2022.25627.2025](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.25627.2025)

۱. مقدمه

اشعار اوحدالدین علی بن محمد بن اسحاق ابیوردی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری، در دو نوع اصلی غنایی (مدحی، عاشقانه و هجوی) و تعلیمی است. او بیش از همه، به شاعری مدیحه‌سرا و قصیده‌پرداز شهرت دارد؛ اما با تأمل در غزلیاتش درمی‌یابیم که سروده‌های وی در این نوع غنایی، از زیباترین نمونه‌های غزل عاشقانه است و در سرودن شعر اجتماعی و انتقادی نیز تأثیرگذارترین اشعار را در عصر خود داشته تا جایی که در مواردی، مورد تشویق یا حسادت شاعران زمان خود بوده است. او در مجموعه تحولات شعر در قرن ششم، یکی از تأثیرگذارترین شاعران است. در اهمیت اشعار انوری، همین بس که شاعران بزرگی چون مولانا جلال‌الدین بلخی، عطار، سیف فرغانی، اوحدی مراغه‌ای، خاقانی، سعدی و حتی برخی از شاعران معاصر، نظیر رهی معیری، از شعر او اقتباس کرده‌اند (بساک و شریفی صبحی، ۱۳۹۲). برخی از شاعران سبک هندی نیز تحت تأثیر اشعار و صور خیال شعر او بودند؛ نظیر حزین لاهیجی که در دو قصیده که در وزن و قافیه و ردیف و برخی از کلمات و ترکیبات مشترکند، از قصیده انوری استقبال کرده است (مؤذنی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

هر اثر ادبی، ویژگی‌های زبانی و بیانی خاص خود و به تبع آن، هر شاعری نیز شیوه بیانی و زبان ویژه خود را دارد و این تمایزات و ویژگی‌هاست که سبک خاص هر شاعر و نویسنده‌ای را می‌سازد (نوروزی، ۱۳۹۹: ۴۴۶). نکته جالب توجه درباره زبان انوری این است که وی متناسب با هر قالب و موضوعی، از قابلیت‌های خاص زبان که متناسب با آن محتوا بوده، استفاده می‌کرده است. در قصاید مدحیه، زبانی مستحکم، سخته، همراه با اصطلاحات علمی، آمیخته به فنون بدیعی و در کل، تمایل به دشوارگویی دارد. در این زمینه، از کلمات، امثال، عبارات و اصطلاحات عربی نیز بهره می‌برد و به برخی از شعرای عرب اشاره دارد و از مضامین اشعار و حتی عباراتشان استفاده می‌کند؛ شاعرانی همچون متنبی، ابن‌رومی، ابوتمام، اعشی، جریر، امرؤالقیس،

بوفراس، بحتری، ابونواس و حسان که با تحسین شعر آنان و به کارگیری مضامینشان، تسلط خود را بر ادبیات عرب آشکار می‌کند.

شاعری دانی کدامین قوم کردند آن که بود ابتداشان امرؤالقیس انتهاشان بوفراس (انوری، ۱۳۶۴: ۱/ ۲۶۳)

انوری در قطعات، بسته به محتوای آن‌ها که مدح، هجو یا پند و اندرز باشد، زبان و نوع بیان متفاوتی دارد. غزلیاتش آکنده از مفاهیم روح‌نواز و تأثیربرانگیز است که برای این منظور، از قابلیت‌هایی از زبان استفاده کرده که باعث روانی، سادگی و صمیمیت متن می‌شود. در تنها مثنوی خود که بالغ بر ۱۶۰ بیت است، زبانی گزنده، همراه با توهین، تحقیر و کلمات مستهجن دارد و رباعیاتش نظیر قطعات، بنا به تفاوت محتوا، در به کارگیری زبان، لغات و تعبيرات متفاوت هستند.

۲. پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان به انوری و جنبه‌های مختلف شاعری و سبک شعر او توجه داشته‌اند. مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه عبارتند از: نفیسی (۱۳۳۷) در مقدمه تصحیح دیوان، به بیان نکاتی در زمینه سبک انوری پرداخته است. مدرّس رضوی (۱۳۶۴) در مقدمه تصحیح دیوان/انوری، درباره سبک و زبان انوری، نکاتی را تشریح کرده است. شهیدی (۱۳۵۷) در مقدمه شرح و شواهدی‌های انوری، مختصری درباره سبک انوری نگاشته است. فروزانفر (۱۳۶۹) در کتاب سخن و سخنوران، در خصوص سبک انوری می‌گوید: «مهم‌ترین شیوه سخن‌سرایی انوری در شعر، همان ابداع سبک نزدیک کردن زبان و بیان شعری به زبان محاوره عمومی و زبان تخاطب بوده است. سبکی که پس از یک قرن سیر تکاملی، به صورت عالی و خوش تراش بر زبان سعدی شیرازی جلوه کرد». شفیع کدکنی (۱۳۷۲) در مقدمه کتاب مفلس کیمیافروش، نکاتی را درباره سبک انوری بیان کرده است. غریب حسینی و بصیری (۱۳۸۷) شیوه‌های انوری را در کاربرد حسن تعلیل در قصایدش تحلیل کرده‌اند. حکیم و محسنی‌نیا (۱۳۹۴) در مقاله خود، به تبیین نظریه ادبی انوری پرداخته‌اند. کهدویی و صدیقی مورنانی (۱۳۹۵)

موعظه را در شعر انوری بررسی و تحلیل کرده‌اند. ترکی و رجبی (۱۳۹۵) با تکیه بر ویژگی‌های نحوی کلام، به تشریح طرز انوری در غزل‌ها و رباعی‌هایش پرداخته‌اند. حقیقی و کرمی (۱۳۹۵) مضامین اجتماعی و سیاسی مقطعات انوری را بررسی کرده‌اند. هاشمی و مظاهر مصفاً (۱۳۹۶) به بررسی سبک‌شناسی همجوایات انوری ابیوردی پرداخته‌اند.

این نوشتار بر آن است که به روش توصیفی-تحلیلی، با نگاهی به ویژگی‌های سبکی اشعار انوری، در قالب‌ها و مضامین مختلف، به تشریح تفاوت‌های زبانی و بیانی انوری در هریک از این انواع شعری پردازد و از این رهگذر، تأکیدی بر قدرت بیان انوری، متناسب با موضوعات متفاوت باشد. تاکنون در این زمینه، تحقیقی صورت نگرفته است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. سبک بیان و ویژگی‌های زبانی انوری

سبک هر متنی برآمده از ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری صاحب اثر است و می‌توان آن را در این سه گزاره بررسی کرد. این ویژگی‌ها در هر دوره‌ای، متأثر از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوران است که معمولاً به صورت عمومی در اشعار و متون هر دوره دیده می‌شود و در مواردی، صاحب اثر، خود صاحب سبک شخصی است و در سایه ویژگی‌های سبکی رایج در دوره، سبک منحصر به خود را دارد که حتی گاهی زمینه‌ساز ورود به سبک جدید می‌شود. بی‌شک، انوری یکی از ستون‌های شعر فارسی و صاحب سبک شخصی است تا آنجا که درباره او گفته شده است:

در شعر سه تن پیمبرانند

هر چند که لاینبی بعدی

اوصاف و قصیده و غزل را

فردوسی و انوری و سعدی

(دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۰)

اما تحوّل سلیقه و ذوق اهل ادب در قرن اخیر، تحوّل ملاک‌های شاعری را در پی داشته است. این تغییرات باعث شد رویکرد به شعر انوری، تا اندازه‌ای دگرگون گردد

و حتی از واحدهای درسی در تمام مقاطع دانشگاهی در رشته ادبیات حذف شود و تنها برخی از استادان سخن سنج، نمونه‌هایی از اشعار انوری را ذیل واحدهای درسی دیگر، تدریس کنند. سبب این نوع برخورد، قضاوت غیرمنصفانه و تک‌بعدی برخی از نقدنویسان معاصر درباره انوری است که او را شاعری متملق، دروغگو و دون‌همت خوانده‌اند. شک نیست که این‌گونه اعمال سلیقه‌ها باعث شده است برخی از اشعار انوری، به دلیل خوش نیامدن به ذائقه بعضی و نیز در تضاد بودن با عرف و اخلاق اجتماعی، به کلی از دیوان شاعر حذف شوند و از این رو در چاپ‌های اخیر از تصحیح نفیسی، برخی از قطعات و کلّ مثنوی انوری را نمی‌بینیم؛ چنان‌که این مثنوی، از ابتدا در تصحیح مدرّس رضوی نیز بنا بر همین ملاحظات، درج نشد و برخی از اشعار بنا به سلیقه شخصی یا تقابل با فرهنگ جامعه، حذف شد. نتیجه چنین رفتاری، بررسی اشعار شاعر است براساس آنچه از او منتشر شده، نه تمامیت آنچه سروده است؛ از این رو، قضاوت ما درباره او و شعرش ناقص می‌ماند؛ زیرا تا ما به کلیت اثر یک شاعر دسترسی نداشته باشیم، هر نوع داوری و قضاوت در خصوص سبک و زبان او و دریافتن بسامدهای لغوی، ادبی و فکری او، با اشتباه و بی‌دقتی همراه خواهد بود. قضاوت‌های موجود درباره شعر انوری، همراه با تأکید بر هنر مدیحه‌پردازی او، بیشتر بر پایه معرفی انوری به صورت شاعری مفلس و پرهزینه است که برای برآورده شدن تمام نیازهایش - تا کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین آن‌ها- به مدح، هجو و در نهایت، رفتاری همراه با نوعی در یوزه رو می‌آورد؛ اما انوری توانسته معانی بلند را در الفاظی مستحکم، با چنان ظرافتی بگنجانند که گاه شعرش ما را طوری مسحور می‌کند که گویی همراه شاعر، در مقابل ممدوحش ایستاده‌ایم و شکوه قصر و بنای او را به چشم می‌بینیم و صدای تحسین او را می‌شنویم:

جشن عالی‌سرای معمور است
کوه را در سر از صدا سور است

می‌بیاور که جشن دستور است
قبّه‌ای کز نوای مطرب او

قَبّه‌ای کز فروغ دیوارش آسمان پر تموج نور است

(انوری، ۱۳۶۴: ۱/۶۷)

در قصیده‌ای دیگر، اسب را چنان توصیف می‌کند که می‌توان آن را با جزئیات تصور کرد:

ای سوسن گوش خیزران دم	ای زرین نعل آهنین سم
با آتش تو چو ساق هیزم	ای باد صبا گرفته در گل
چون گرد سپهر سیرانجم	سیر تو به گرد خط ناورد

(همان: ۳۳۲)

زبان انوری، گاه چنان روان و قابل درک است که گویی شاعری از اهالی زمان ماست:

من دوست ندارم که تو را دوست ندارم تو شرم نداری که ز من شرم نداری؟
(انوری، ۱۳۶۴: ۲/۹۲۴)

در مواردی، به اندازه‌ای در بیان ماجرا به روایت توجه دارد که می‌توان طبق عناصر روایت داستان، آن شعر را بررسی کرد. نمونه اعلای آن، قصیده‌ای به مطلع زیر است:

دی بامداد عید که بر صدر روزگار هر روز عید باد به تأیید کردگار

(انوری، ۱۳۶۴: ۱/۱۷۸)

از سوی دیگر، وقتی انوری بر آن است که ممدوح خود را مبهوت قدرت شاعری و گستره علمی خود کند، چنان مفاهیم، تصاویر و معانی دور از ذهنی را به کار می‌برد که نیاز به شرح مفصل دارد و گاه در نهایت، معنای قطعی را نمی‌توان برای آن متصور

شد. او این فن را از طریق به کارگیری علوم مختلف، به ویژه نجوم، هیئت، طب و منطق و نیز استفاده از صنایع مختلف ادبی و فنون زبانی، در شعرش اجرا می کند. «هیچ یک از شاعران مقدم بر انوری (آن چنان که دیوان اشعار آنها حکایت می کند) در انواع علوم و مخصوصاً مبادی فلسفه و ریاضیات، به پایه این شاعر نمی رسیده اند» (شهیدی، ۱۳۴۲: ۵۰۵). احاطه او به علوم مختلف زمانش به حدی بود که ادیبی چون قاضی حمیدالدین را به ستایش وامی دارد:

او حدالدین انوری ای من مرید طبع تو وی هوای عشق و مهر تو مراد طبع من
هم بینم دولت وصل تو را در ربع خویش گر محلّ دولت و اقبال گردد ربع من

(انوری، ۱۳۶۴: ۲/ ۶۷۸)

انوری، شاعری مدیحه سراسر و گاه سخن خود را با اغراق های نه چندان خوشایند در مدّاحی آمیخته است و آن نوع از بیان، دیگر به پسند مردم زمانه ما خوش نمی آید؛ اما نمی توانیم به این دلیل، به طور کلی، چشم بر هنر شاعری او ببندیم و ظرافت های او را در بیان مسائل گوناگون نادیده بگیریم؛ به خصوص وقتی با بررسی زمان و پادشاهان دوران انوری درمی یابیم که شاعر ناچار بوده است برای بقای شعرش و دست یافتن به خواسته هایش، به دربار متوسّل شود. در بسیاری از موارد، انوری فردی را می ستاید که جدا از موقعیت اجتماعی، شخصیت علمی و ادبی قابل توجهی داشته و از فحوای کلام انوری می توان به علاقه وی به آن ممدوح پی برد؛ نظیر صاحب ناصرالدین طاهر.

روش صله ستانی انوری در اشعارش نیز جالب توجه است. در مواردی، به صراحت درخواست خود را مطرح می کند که گویی آن را حقّ مسلم خود می داند و ممدوح را ملزم می داند که خواسته را برایش بفرستد:

صفی موفق سبعی چو بارها می گفت که گرت هیزم هرروزه نیست خر بفرست
شبی به آخر مستی به طیبش گفتم که آنچه گفته ای ار خشک نیست تر بفرست

غلام را بفرستاد بامداد پگاه نه زان جهت که سُتوری پگاه تر بفرست
بگویم از چه جهت گفت خواجه می گوید کی آن حدیث به دست آمدست زر بفرست

(همان: ۵۳۸)

و نیز قطعه‌ای با مطلع:

به بوالفتح قصاب گفتم که آخر دو من گوشت کو از وجوه دو ماهه

(انوری، ۶۸۰ ق: عکس ۱۱۰)

حتی چون وظیفه به موقع به دستش نرسیده، از به کار بردن الفاظ رکیک ابا ندارد. از این رو، باید گفت اشعار مدحی انوری بر اساس ممدوح، دو دسته‌اند: ۱. یا انوری خود ارادت قلبی به ممدوح دارد و حتی خواسته خود را یا به صراحت بیان نمی‌کند یا خواسته خود را با شرم و احتیاط بیان می‌کند؛ نظیر قصیده‌ای به مطلع:

دی بامداد عید که بر صدر روزگار هر روز عید باد به تأیید کردگار

(انوری، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۷۸)

تا جایی که به ممدوح نمی‌گوید اسبی صله بده، بلکه احوال اسب کاهل خود را آن گونه توصیف می‌کند که ممدوح می‌گوید: «گفت ای ندانمت که چه گویم هزار بار» (انوری، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۷۹) و در مواردی که خواسته را به صراحت بیان می‌کند، نهایت احترام را به جای می‌آورد. ۲. علاقه و احترام قلبی به ممدوح در کار نیست و انوری صرفاً برای برآورده شدن نیازش شعری را سروده که در این موقعیت، دو نوع از شخصیت انوری آشکار است: یا خود را به پستی می‌اندازد یا از موضعی بالا و طلبکارانه، خواهان برطرف شدن نیازش است.

هنر شاعری انوری را از این منظر نیز می‌توان بررسی کرد که در مواجهه با افراد متفاوت، بیان متفاوتی را در پیش می‌گیرد و بنا به موقعیت و علاقه‌اش به فرد، از کلمات فاخر یا عامیانه و گاه مستهجن استفاده می‌کند و از پس هر کدام به‌خوبی و در نهایت ظرافت برمی‌آید. وجهه دیگر شاعری انوری، وعظ و پند و اندرز است که با بیانی تأثیرگذار، مفاهیم اخلاقی را مطرح می‌کند و در مواردی، بر شرایط پیش آمده برای خود و دنیا و اهلس حسرت می‌خورد. به‌طور کلی، با توجه به ویژگی‌های سبکی، می‌توان زبان و مخاطب شعر انوری را به چهار دسته تقسیم کرد:

الف. زبان متناسب با شعر درباری و مدحی

قصاید انوری و برخی از قطعات او از لحاظ شیوه بیان، از نوع شعر درباری هستند. ویژگی‌های سبکی انوری در این دسته از اشعار عبارت‌اند از:

۱. اشارات فراوان به علوم گوناگون، همچون منطق و نجوم:

در بار گهت شیوه حجاب گرفته	بهرام فلک نظم حواشی و خدم را
در بزمگهت چهره به عیوق نموده	ناهید فلک شعبده مثلث و بم را

(همان: ۸)

۲. مضمون آفرینی: طمع دریافت صلّه، انوری را به آفریدن مضمون‌های نو و مبالغت‌های آمیخته با اغراق وامی‌داشت تا در ستایش ممدوح، مضمون‌هایی بیافریند و ممدوح خود را به صفاتی بستاید که مدیحه‌سرایان پیشین یا هم‌دوره‌هایش آن را نگفته باشند:

وجود جود تو رایج فتاد اگر نه وجود	به نیمه باز قضا می‌فروخت اجری را
زه ای رویای جودت ز روی استعداد	امید شرکت احیا فکننده موتی را
چو روز جلوه انشاد راوی شـعرم	به بارگاه درآرد عروس انشی را

(همان: ۲)

۳. به‌کار بردن لغات، عبارات و شعرهای عربی، البته در حد متعارف و قابل فهم برای فارسی‌زبانان:

آمدی اندر هنر اقصی نهایات الکیمال چون محیط آسمان اقصی نهایات الجهات
(همان: ۳۶)

۴. تلمیحات ملی و دینی:

در دست تو گویی که خنجر تو در دست علی ذوالفقار باشد
خون در جگر پردلان بجوشد گرسستم و اسفندیار باشد
(همان: ۱۳۲)

۵. طلب:

صاحباً من بنده را تشریف خاصت آرزوست تا بدان دامن ز جیب آسمان برتر کشد
کیست آخر کو نخواهد کز پی تشریف تو ذیل تاریخ شرف در عرصه محشر کشد
(همان: ۱۳۹)

۶. اغراق و مبالغه و غلو (به اندازه‌ای که در مواردی، ممدوح را با ذات کبریا برابر
می‌نهد):

عدلش ار با زمین به خشم شود امن بیرون آسمان باشد
قهرش ار سایه بر جهان فکند زندگانی در آن جهان باشد
مرگ را دائم از سیاست او تب و لرز اندر استخوان باشد
(همان: ۱۳۵)

*

با آسمان چه گفتم؟ گفتم که هست ممکن دستی ورای دست تو در کارهای عالم
گفتا که دست قدرت و دست ملک سلیمان آن خسرو مظفر شاهنشاه معظم
آن قدرت است او را بر حلّ و عقد گیتی کان تا ابد نگردد هرگز مرا مسلم

(همان: ۳۳۴)

و نیز:

آب و آتش را اگر در مجلسش حاضر کنند از میان هر دو بردارد شکوهش داوری
(همان: ۴۷۴)

۷. استفاده از صنایع ادبی، به ویژه تشبیه، تناسب، حسن تعلیل، مجاز و موازنه، به قصد
ایجاد فضای هنری، موسیقایی، متوازن و ابهام‌برانگیز برای افزودن بر تأثیر کلام:
سبز خنگ آسمان در زیر زرین قدر توست

زان ز ماهش نعل کردستند و از پروین ستام
(همان: ۳۲۰)

*

تا کند باد صبا در باغ‌ها نقش و نگار تا زند باد خزان بر شاخ‌ها زر و درم
(همان: ۴۶۳)

ب. زبان متناسب با پند و اندرز

در برخی از قطعات، تعدادی از قصاید و نیز بعضی از رباعی‌های انوری، این محتوا
کاربرد دارد. انوری شاعری آشنا به علوم زمان خود و مقبول و محترم بوده است.
هرچند در برخی از اشعارش، بنا به نیازهای زندگی و رفع حوایج مادی، زیاده‌روی
می‌کرد، اشعاری نیز در مذمت و خوار کردن نفس و تعلقات دنیا دارد. از مهم‌ترین
ویژگی‌های این اشعار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در برخی از این دسته اشعار، انوری رویکرد سیاسی-اجتماعی دارد و چون ناقدی
تیزبین و حسّاس عمل می‌کند و از نکوهش پادشاهان ستمگر و نیز انتقاد از بی‌عدالتی و
ستمی که فراگیر شده، ابایی ندارد. او آزرده‌گی خود را از رفتار یکی از اکابر زمانش
چنین بیان می‌کند:

ز مردمان مشمر خویشان به هیئت و شکل که مردمی نه همه هیئت هیولانی ست
(انوری، ۱۳۶۴: ۲/۵۶۸)

۲. در برخی اشعار، تمثیل و نماد وجود دارد؛ نظیر حکایتی که چنین آغاز می‌شود:
روبهی می‌دوید از غم جان روبه دیگرش بدید چنان

(همان: ۷۰۱)

که در این شعر، انوری آشوب و نابه‌سامانی جامعه خود و حماقت سردمداران را در قالب ماجرای روباهی بیان می‌کند و بدین سان، تداعی‌کننده ماجراهایی از کلیله و دمنه و دیگر داستان‌های فابل است. روشی که سعدی نیز در بیان حکایت‌های خود در گلستان و بوستان، از آن مدد می‌جوید.

۳. در برخی از این اشعار، لحن انوری به شکلی است که نشانگر جسارت و بی‌پروایی اوست تا به حدی که با پادشاه با لحن ملامت‌آمیز سخن می‌گوید و از او طلب برخورد جدی با زیردستان دارد:

خسروا این چه حلم و خاموشی‌ست؟ صاحبا این چه عجز و مأیوسی‌ست؟

(همان: ۵۶۶)

۴. بزرگ‌ترین وجه اهمیت شعر انوری، در شیوه صمیمانه‌ترین نوع ارتباطی است که با ذهن مخاطب برقرار می‌کند. بارزترین شگرد او استفاده از زبان محاوره در شعر است. گاه سخن انوری به درجه‌ای از سادگی می‌رسد که گویی او قسمت‌هایی از محاورات معمول و عادی را در شعر خود گنجانیده است (صفا، ۱۳۷۰). برای نمونه، روانی و سادگی کلام و دوری از تصنع و تکلف، در این قطعه به خوبی مشهود است:

ای نامتحرک حیوانی که تویی ای خواجه رایگان گرانی که تویی

ای قاعده قحط جهانی که تویی ای آب دریغ کاهدانی که تویی

(انوری، ۱۳۶۴: ۲/۱۰۴۲)

۵. استفاده از تعبیرات کنایی:

آسمان بیخ کمال از خاک عالم برکشید

تو زرخ می‌زن که در من کنج نقصانی کجاست

(همان: ۵۲۶)

۶. محتوای این اشعار، مواعظ اخلاقی، مواعظ اجتماعی و گله از زوال دین، دانش و خصایل انسانی است.

ربع مسکون آدمی را بود دیو و دد گرفت	کس نمی‌داند که در آفاق انسانی کجاست
دور دور خشک سال دین و قحط دانش است	چند گویی فتح بابی کو و بارانی کجاست
من تو را بنمایم اندر حال صد بوجهل جهل	گر مسلمانی تو نقشی کن که سلمانی کجاست
آسمان بیخ کمال از خاک عالم برکشید	تو زخ می‌زن که در من کنج نقصانی کجاست
خاک را طوفان اگر غسلی دهد وقت آمدست	ای دریغا داعی چون نوح و طوفانی کجاست

(همان: ۵۲۵)

۷. به کار بردن استفهام انکاری یا تأکیدی به قصد وعظ، تحقیر، تویخ و سرزنش فرد مدّ نظر:

چون گذاری که برزند هر روز	قلبتانی سر از گریبانت
---------------------------	-----------------------

(همان: ۵۷۹)

۸. بیان نصیحت در قالب حکایت و استفاده از تمثیل و ار سال المثل، مانند حکایت زن لال و شاگرد حصیرفروش در قطعه‌ای به مطلع:

گویند که در طوس گه شدت گرما	از خانه به بازار همی شد زنگی لال
-----------------------------	----------------------------------

(همان: ۶۷۱)

۹. از حسن تعلیل برای توجیه هنری اعمال و افکار خود استفاده هنری می‌کند:

گویند ز سنگ و هنگ دوری	دانی که نه جای سنگ و هنگ است
------------------------	------------------------------

تا تیره شده است آبم از سر	اشکم به خلاف آن چو رنگ است
---------------------------	----------------------------

پنهان گریم ز مردم چشم	زیرا که جهان نام و ننگ است
-----------------------	----------------------------

(انوری، ۶۸۰ ق: عکس ۱۰۱)

ج. زبان عامیانه که حتی گاهی آمیخته به الفاظ رکیک می‌شود

برخی از قطعات و تنها مثنوی انوری، به این طبقه زبانی تعلق دارند. انوری هر گاه قصد هجو کسی را دارد و نیز در مواقع طنز، معمولاً زبانش را به سطح عوام جامعه تنزل می‌دهد. از ویژگی‌های این دسته از اشعار، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. موضوعات کلی این اشعار عبارتند از: طنز، نکوهش وزرا، کارگزاران، بازاریان و طبیبان، نکوهش روزگار، مذمت شعر و شاعری، هجو زن و سرزنش هر کسی که در پرداخت صله به او اهمال ورزیده است.

۲. این دسته از اشعار نشان از تخیل بسیار قوی و خیال‌انگیزی سخن شاعر دارند؛ به‌ویژه برخی تعبیرات و تشبیهات کاملاً بکر و جالب توجه هستند. وی الفاظ، ترکیبات، صور خیال و معلومات و سیع خود را چنان روان و یکدست به کار می‌گیرد که بیشتر اشعار هجوی او تودرتو و دارای چند لایه هستند؛ به گونه‌ای که برای فهم دقیق، باید چندین بار آن‌ها را خواند.

۳. انوری با دو هدف کلی، زبان به هجو می‌گشاید: ۱. در بسیاری از موارد، هجو به دلیل یک نزاع یا عامل شخصی است؛ ۲. برخی از هجویه‌های انوری ارزش اجتماعی دارند؛ زیرا انوری به وسیله آن‌ها زبان اعتراض مردم عصر خود می‌شود و قبح رعایت نکردن هنجارهای اخلاقی، عرفی و اجتماعی هجوشونده را بر سر او و جامعه فریاد می‌زند. وی در دسته دوم هجوهایش، به نماد و لغز نیز رو می‌آورد.

سحرگاهی به نزد خواجه رفتم
که بفزاید مرا جاه و جمالی
به دست خواجه در، ده بدر دیدم
وزان هر بدر بود او را ملالی
در آمد مرغکی وان گه به منقار
ربود از فرق هر بدری هلالی
(انوری، ۱۳۶۴: ۲/ ۷۴۷)

۴. هجویه‌های انوری در بسیاری از موارد، با کلمات رکیک، ناسزا و الفاظ ممنوع آمیخته‌اند. یکی از ویژگی‌های لغوی در سبک‌شناسی هجویات، استفاده از واژه‌های نامتعارف یا به اصطلاح، تابو است. انوری از شاعرانی است که از به کار بردن الفاظ

رکیک ابایی ندارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از بارزترین ویژگی‌های سبکی وی دانست. کاربرد این واژه‌های نامتعارف در شعر انوری به دو شیوه صورت می‌گیرد: الف. گاهی به صورت مستقیم به هجو افراد می‌پردازد و آن‌ها را به باد دشنام می‌گیرد:

تو در قوادگی ای سرخ کافر
توانی گر کنی تصنیف و تدریس
(همان: ۶۵۸)

ب. گاهی آوردن این واژه‌های نامتعارف به صورت غیرمستقیم است و از شیوه‌های استعاری یا کنایی برای بیان آن استفاده کرده است:

با بخل بود به غایتی پیوندت
کز قوت حکایتی کند خرسندت
وینک ز بلای بخل تو ده سالست
تا نشخور شیر می کند فرزندت
(همان: ۹۴۸)

۵. وجه شبه‌ها در این دسته از اشعار، بسیار جالب توجه هستند؛ زیرا در مواردی، به اندازه‌ای بدیع هستند که خواننده از قدرت خیال انوری متعجب می‌شود.

گردون چو سگ به فضلۀ خود بازگشت کرد
بیچاره او که کارش بازان فتاده بود
(همان: ۶۳۲)

۶. از عناصر طنزآمیز بهره می‌برد که این امر به شیرین ترشدن کلام و جذابیت پیام کمک کرده است.

به خدایی که مجمل روزی
به تفصیل او رساند و بس
که زمین و هوای خانه من
نه همی مور بیند و نه مگس
هین کز اسباب زندگیم امروز
هیچ معلوم نیست جز که نفس
(همان: ۶۵۷)

تو را هجا نکند انوری معاذالله
نه او که از شعرا هیچ کس هجا نکند
نه از بزرگی تو بلکه از معایب تو
چه جای هجو که اندیشه هم کرا نکند
(انوری، ۶۸۰ ق: عکس ۱۶۳)

۷. مهم ترین شگردهای هجوپردازی اعم از تحقیر، تحمیق، در هم شکستن نمادها و دشنام، در این دسته از شعرها به چشم می خورد که به بیان هنری تر مقصود شاعر کمک کرده است.

۸. برخی از این اشعار، به اندازه ای بی پروا هستند که باید ذیل نمونه های شهر آشوب بررسی شوند؛ نظیر مثنوی که در هجای تاج الدین عمزاد بلخی سروده و بالغ بر ۱۶۰ بیت است که با اصرار و درخواست جمعی از دوستان تاج الدین، آن را ناتمام گذاشت.
۹. بیان برخی باورهای عامیانه:

از رخس هر روز فال مشتری گیرد
کیست آن کو نیست فال مشتری را مشتری
(انوری، ۱۳۶۴: ۱ / ۴۷۱)

د. زبان تغزلی و عاشقانه

حال و بیان انوری در غزل جالب توجه است. غزل انوری زمینه ساز غزل پر سوز و گداز سعدی است، با بیان همان دل مشغولی ها، شیفتگی ها و سرخوردگی ها. حتی سعدی در به کار بردن نوع خاصی از مراعات النظیر که لفظ جدا از ترکیبی که ساخته، ایجاد تناسب می کند و همراه با نوعی تکرار یا جناس است، متأثر از غزل انوری است؛ نظیر این بیت انوری:

چون دست ز عشق بر سر آوردم
از دست شدی و سر بر آوردی
(همان: ۲ / ۹۱۷)

که از این نوع هنرپردازی در غزلیات سعدی، بسیار می بینیم؛ نظیر:
ما را سری ست با تو که گر خلق روزگار
دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم
(سعدی، ۱۳۷۷: ۶۴۴)

غزل انوری از این جهت نیز شایان بررسی است که در دیوان هیچ کدام از شاعران پیش از او، با این حجم از غزل عاشقانه مواجه نمی‌شویم. غزلیات وی و برخی از رباعیاتش و نیز تغزّل و تشبیب برخی از قصایدش، نشان از روح حسّاس شاعر دارند و از نوع اشعار عاشقانه هستند. ویژگی‌های زبان تغزّلات انوری عبارتند از:

۱. زبان تغزّلی انوری، ساده، روان و نزدیک به زبان محاوره است و عشق خود را با زبانی روان و قابل درک برای همگان بیان می‌کند.

بدرود شب دوش که چون ماه برآمد
ناخوانده نگارم ز در حجره درآمد
(انوری، ۱۳۶۴: ۲/ ۸۲۲)

۲. غزلیات وی به‌دور از صنایع ادبی دشوارفهم و عبارات پیچیده هستند.

هرچه مرا روی تو به روی رساند
ناخوش و خوش دل به روی خوش بستاند
(همان: ۸۲۷)

۳. بیشتر صنایع و آرایه‌های به‌کاررفته در این قالب شعری، از نوع صنایع لفظی هستند.

هر کس به خان و مانی دارند مهربانی
من مهربان ندارم نامهربان من کو؟
(همان: ۹۰۷)

۴. بیشتر ابیات تغزّلی انوری، دو فعل یا بیش از دو فعل دارند؛ بنابراین، در هر بیت دو یا چند جمله وجود دارد که این امر به روانی، استحکام و آسان‌فهم شدن بیت کمک می‌کند.

در همه آفاق دل‌داری نماند
در همه روی زمین یاری نماند
(همان: ۸۳۰)

۵. ترکیبات کنایی بسیار که نشانگر تسلط انوری بر زبان است.

تا که دستم زیر سنگ آورده‌ای
راستی را روز من شب کرده‌ای
(همان: ۹۱۰)

۶. استفاده از تکرار که باعث افزایش کیفیت موسیقایی شعر و تأثیرگذاری بیشتر می‌شود.

روی ندارم که روی از تو بتابم
زان که چو روی تو در زمانه نیابم
(همان: ۸۶۹)

جدول ۱- تقسیم‌بندی زبان شعر انوری متناسب با نوع مخاطب و ویژگی

لحن	آرایه‌های پرو کاربرد	موضوع	مخاطب	قالب	زبان متناسب با مفاهیم
حماسی و استوار و فخیم	تشبیه، تناسب، حسن تعلیل، مجاز، موازنه، استعاره، اشاره به علوم و فنون	مدح و توصیف	شاه و درباریان	قصیده	مدح
جسارت بیان، سرزنش کردن، نزدیک به زبان محاوره	تمثیل، تشبیه، استفهام انکاری	مواعظ اخلاقی و اجتماعی، گله از زوال دین و دانش و خصایل انسانی	درباریان، عموم مردم	قطعه و رباعی	پند
نزدیک به لحن تخاطب، استفاده از فحش و ناسزا و مفاهیم مستهجن	کنایه، تشبیه	طنز، هجو، معما	درباریان، عموم مردم	قطعه و رباعی و مثنوی	مفاهیم عامیانه
ساده، روان و نزدیک به زبان محاوره	تکرار، جناس، تناسب	عاشقانه	معشوق زمینی	غزل	عاشقانه

۴. نتیجه‌گیری

انوری با بهره‌گیری از علوم مختلف، همچون طب، نجوم و منطق و در عین حال، نزدیک‌شدن به زبان عامه مردم و استفاده بهینه از عناصر زبانی و بلاغی در قالب‌های

مختلف شعری، تجدیدی در زبان شعر به وجود آورد. او بر آن بود که هنر شاعری خود را در سطح درباری و مطابق با مقام ممدوح و نیز در سطح مردم زمان خود و متناسب با فهم آنها و حال و هوای معشوق عرضه کند. بیان و سبک انوری در غزل، به اندازه‌ای متفاوت با بیان و تفکر او در قصیده، قطعه و مثنوی است که باید گفت انوری در قالب غزل، از آغازگران سبک عراقی است؛ اما در قصیده و قطعه، به نوعی دنباله‌رو سبک خراسانی است؛ هرچند در مواردی که بهره‌گرفتن از اصطلاحات علمی و معانی دور از ذهن، در برخی از اشعارش (خصوصاً در قصاید و قطعات) شدت می‌گیرد و فهم شعر او را با دشواری همراه می‌کند، می‌توانیم سبک او را حد واسط سبک خراسانی و عراقی بدانیم. به‌طور کلی، می‌توان زبان شعر انوری را از نظر تناسب با مفاهیم در چهار نوع طبقه‌بندی کرد: ۱. زبان متناسب با شعر درباری و مدحی ۲. زبان متناسب با پند و اندرز ۳. زبان عوام که حتی گاهی آمیخته به الفاظ رکیک می‌شود ۴. زبان تغزلی و عاشقانه.

با تأمل در اشعار انوری ثابت می‌شود که وی از عهده تنوع قالب‌ها و مضامین و به تناسب آنها، تنوع زبان و بیان، به‌خوبی برآمده، لفظ و معنا را متناسب با یکدیگر آورده و برای القای هر چه بهتر ظرایف معنایی، بهترین بهره را از امکانات موجود در زبان برده است.

منابع

- انوری، محمد بن محمد (۱۳۳۷)، **دیوان اشعار**، به کوشش سعید نفیسی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی پیروز.
- _____ (۱۳۶۴)، **دیوان اشعار**، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- انوری ایبوردی، اوحدالدین. (۶۸۰ ق). **نسخه خطی دیوان انوری**. دست‌نویس شماره ۱۳۵۰۳ کتابخانه مجلس.
- بساک، حسن و محسن شریفی صبحی (۱۳۹۲)، **اقتباس‌ها و سرقات دیگران از انوری**، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۱، شماره ۳، صص ۴۱-۴۸.

- پار سا، سیداحمد و فرشاد مرادی (۱۳۸۳)، مقایسه سبکی هجویات در دو دیوان خاقانی و متنبی، پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۸، صص ۱-۲۲.
- ترکی، محمدرضا و سمیه رجبی (۱۳۹۵)، طرز انوری در غزل‌ها و رباعی‌ها با تکیه بر ویژگی‌های نحوی کلام، دوفصلنامه ادب فارسی، سال ۶، شماره ۲، صص ۲۱-۴۰.
- حقیقی، شهین و محمدحسین کرمی (۱۳۹۵)، بررسی مضامین اجتماعی و سیاسی مقطعات انوری ایبوردی، مجله شعرپژوهی، سال ۸، شماره ۴، صص ۴۷-۷۰.
- حکیم، فاطمه و ناصر محسنی‌نیا (۱۳۹۴)، تبیین نظریه ادبی انوری ایبوردی، فنون ادبی، سال ۷، شماره ۲، صص ۴۳-۷۰.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تهران: پیک.
- زینی‌وند، تورج و ابوذر تکش (۱۳۹۱)، بازتاب فرهنگ و ادب عربی در شعر انوری، نشریه ادبیات تطبیقی، سال ۴، شماره ۷، صص ۹۹-۱۲۴.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۷)، دیوان غزلیات استاد سخن سعدی، چاپ نهم، تهران: مهتاب.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، تذکرة الشعراء، تهران: اساطیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، مفلس کیمیا فروش، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، سبک‌شناسی شعر، چ ۲، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۷۶)، سیر غزل در شعر فارسی، چ ۵، تهران: فردوس.
- شهیدی، جعفر (۱۳۸۸)، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۴۲)، گوهری در خلاب یا غباری بر فلک، مجله یغما، شماره ۱۸۷، صص ۵۶۱-۵۶۴.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، چ ۶، تهران: فردوسی.
- _____ (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات ایران، چ ۸، تهران: ققنوس.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۸۸)، ابن‌رومی و انوری در عرصه هجویه‌سرایی، نشریه ادبیات تطبیقی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۵-۶۳.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۹)، سخن و سخنوران، چ ۴، تهران: خوارزمی.
- کهدویی، محمدکاظم و سمیرا صدیقی مورنانی (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل موعظه در شعر انوری، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شمار ۳۱، صص ۴۵-۸۰.

- مؤذنی، علی محمد (۱۳۹۴)، استقبال و معارضه حزین لاهیجی در قصاید، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۷، شماره ۲۴، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۲)، طنز در قطعات انوری، نامه انجمن، شماره ۲۳، صص ۲۳-۳۰.
- نوروزی، یعقوب (۱۳۹۹)، ویژگی‌های ادبی و بلاغی شاعران و سنجش اصالت ضبط‌های نسخ با تکیه بر آن (مطالعه موردی: دیوان خاقانی)، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۴۴۵-۴۷۰.
- نیکویخت، ناصر (۱۳۸۰)، هجو در شعر فارسی (نقد و بررسی شعر هجوی از آغاز تا عصر عبید)، تهران: دانشگاه تهران و دانشگاه کاشان.
- واعظ، بتول و رقیه کاردل ایلواری (۱۳۹۱)، بررسی و نقد جامعه‌شناختی قصاید انوری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- هاشمی، سیدمحمد کاظم و مظاهر مصفا (۱۳۹۶)، سبک‌شناسی هجویات انوری ایبوردی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۲۶۹-۲۸۷.
- همتی، شهریار، فاطمه کلاهیچیان و زهره باقری (۱۳۹۱)، بررسی کارکرد هجو در شعر حطیئه و انوری، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی میان عربی و فارسی)، سال ۲، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۵۴.

